



تاریخ مبارکِ غازی

داستان غازان خان

رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله ابوالخیر
به سعی و اهتمام و تصحیح اقل‌المیاد

کارل یان

کتاب
تَاریخ مُبارک غازی
دَاسْتانِ غازان خان

تَالیفِ

رَشیدُ الدین فَضْلُ اللّٰهِ بِنِ عِمَادُ الدَّوْلَةِ ابُو الْخَیْرِ

بِسَعْنَى وَ اِهْتِمَامِ وَ تَصْحِیحِ اَقْلِ الْعِبَادِ

کَارُلْ یان

دَزْ مطبعة سنتی اوستین دَزْ هرْتورْد آر بلاد
انگلیستان سنه ۱۳۵۸ هِجْرِي مُطابِق سنه ۱۹۴۰ مسیحی

جدول الاقسام و الحکایات

صفحه

قسم اول در تقریر سبب نزرگوار و ذکر احوال او ار وقت ولادت	
• مبارکش تا رمان جلوس ارغونخان بر سریر سلطنت و ذکر	
• حواتین و فرردان او و جدول شعنه شریف ایشان	۲
• ذکر ولادت غارانخان	۳
• ذکر حواتین و فرردان غارانخان	۱۳
قسم دوم ار داستان عارانخان در مقدمه جلوس مبارک او و صورت	
تحت و حواتین و شهرادگان و امرا در حال جلوس او ر	
سریر سلطنت و تاریخ رمان پادشاهی او و جگها که کرده	
و فتحها که اورا دست داده است	۱۴
• حکایت در حال او در حراسان در عهد پدر	۱۵
• حکایت رفتن امیر بورور ترکستان پش قیدوحان	۲۴
• حکایت حال عارانخان بعد ار واقعه ارغونخان نا وقت عزیمت	
او بطرف آذربیحان در عهد گیحاتو و مراحت فرمودن ار	
• تبریر باحراسان	۳۱
• حکایت توحه عارانخان محاب الاتع بر عرم دیدن گیحاتو و	
• مراحت نمودن ار تبریر و مهرم شدن بورور و فتح شاپور	۳۷
• حکایت ایل شدن بورور و دیگر نار بندگی عارانخان آمدن	
• و طوی و پیشکش کردن (S)	۴۴
• حکایت بدامت و پشیمانی بورور و نبیلی و انقیاد در آمدن (P.)	۴۴
• حکایت توحه عارانخان ار حدود حراسان محاب عراق و	
• مصاف دادن او نا باندو در حدود هشتروود و قربان شیره (S)	۵۶

- حکایت رحمتن عاران‌نعم دارالملک آذربایجان و حلاق که میان
 او و نایدو واقع شد (P) ۵۶
- حکایت احوالی که میان نایدو و بورور حادث شد ۷۳
- حکایت مشرح شدن سیئه مبارک پادشاه اسلام غازان‌خان سور
 ایمان و اسلام آوردن او و امرا بحضور شیخ‌راده صدرالدین
- حموی جوینی دام برکته ۷۶
- حکایت توجه رایات همایون پادشاه اسلام بحباب نایدو نوت
 دوم و گریختن نایدو و ایل شدن امراء او (S) ۸۰
- حکایت آمدن شیخ محمود برسالت از پیش نایدوخان و میلان
 امرا بحباب عاران‌خان بار نمودن (P) ۸۰
- حکایت رکوب امیر بورور مقدمه و گرفتاری نایدوخان و امراء و
 وصول شهزاده عاران‌خان تنحگاه پدر و حادثه نایدوخان ۹۰
- حکایت آغار ترتیب امور لشکر و ممالک فرمودن پادشاه اسلام بعد
 از حلوس مبارک ۹۶
- حکایت مخالفت اندیشیدن سوکا و نارولا و طاهر شدن آن و
 توجه لشکر بحباب دفع ایشان و مآل آن حال ۹۸
- حکایت احوال بورین‌اقا و عرص امیر بورور نا او و ابتدای
 خلل کار بورور ۱۰۲
- حکایت توجه رایات همایون بحباب عداد و بیاسا رسایدن
 افراسیاب لر و جمال الدین دستجردانی و مولانا عزالدین مظفر
 شیرازی و ولاده شهزاده اولجای قتلع ۱۰۵
- حکایت حال قیصر‌علام امیر بورور و بیاسا رسیدن فرربدان و
 سرادران بورور و انقطاع دولت او سکلی و قتل بورور
 مقام هراة ۱۰۷

جدول الاقسام و الحكايات

•

صفحه

- حكايت ترقع مرتنه صدرالدين رنجاني و كار او بواسطه قتل امير
نوروز و وصول رايات همايون ار الاتاغ تبريز و سياد قسه عالي
بهدان در شم تبريز ۱۱۶
- حكايت اختلال حال صدرالدين رنجاني و ياسا رسايدن او . ۱۱۸
- حكايت توجه رايات همايون ار دارالملك تبريز مجاب قيشلاخ
عداد و تهويص منصب وزارت نجواجه سعدالدين و وصول خبر
عصيان سولاميش و رفتن لشگر بدفع او . ۱۲۰
- حكايت توجه پادشاه اسلام بطرف شام و مصر و مصاف دادن
با مصريان و شكستن ايشان و فتح ولايت شام . ۱۲۴
- حكايت توجه پادشاه اسلام بحاب شام و مصر نوبت دوم . ۱۳۱
- حكايت سيورعاميشي يافتن حواجه سعدالدين صاحب ديوان و
ياسا رسيدن حساد او ۱۳۴
- حكايت توجه پادشاه اسلام عاران حان بحاب الاتاغ و ار آلتحا
راه الحچوان . ۱۳۵
- حكايت طوى عام فرمودن پادشاه اسلام در اوردوى ررين
موضع باع اوجان و حتم كردن قرآن در آلجا و بدل عام فرمودن ۱۳۷
- حكايت توجه رايات همايون ار شهر اسلام اوچان بحاب عداد و
احوالى كه در راه حادث گشت و وصول بواسطه و حله و تصميم
عزيزت شام . ۱۴۰
- حكايت وصول قتلعشاه نويان بلشگر مصر و مراحتت نمودن ار
آلتحا و مراحتت نمودن رايات همايون ناوچان . ۱۴۷
- حكايت پرسيدن يارغوى امرا و لشگريان كه ار شام مراحتت
موده بودند و قوريلتاي ساحتى موضع اوچان و تكشميشي كردن
ايشان . ۱۴۹

صفحه

- حکایت طاری شدن رمد پادشاه اسلام را و وصول شهزادگان ار
خراسان و توحه رایات همایون بعداد و رول فرمودن بهولان
موران . . . ۱۵۰
- حکایت در حلوت شستن پادشاه اسلام نقشلاق هولان موران و طاهر
شدن اندیشه مخالفت الافرنك و یاسا رسیدن جماعت فتانان . ۱۵۲
- حکایت طوی کردن در اوردوی ایلتورمیش حاتون جهت سال
نو شهزاده ابویزید و بیرون آمدن پادشاه ار چلهه . ۱۵۴
- حکایت سیورعامیشی پادشاه اسلام در حق حواحه سعدالدین
صاحب دیوان مجتهد احلاص که در قضیه الافرنك عموده بود . ۱۵۵
- حکایت وفات کرامون حاتون و نقل مرقد او تبریز و کلباتی چند
حکمت‌آمیز که پادشاه اسلام در حال حلق فرموده است . ۱۵۶
-
- قسم سوم ار داستان پادشاه اسلام عاران‌خان فهرست . ۱۶۱
- حکایت اوّل در فنون کمالات و علوم پادشاه اسلام حلد ملکه و
داستن او صاعات مختلفه را و وقوف بر اسرار آن صعتهها . ۱۶۵
- حکایت دوم در عفت و عصمت پادشاه اسلام . . . ۱۷۴
- حکایت سوم در فصاحت و بلاغت و حسن سوال و جواب پادشاه
اسلام ما دور و بردیک و ترک و تاریک . . . ۱۷۵
- حکایت چهارم در صبر و ثبات و درستی عهد و میثاق پادشاه اسلام . ۱۷۷
- حکایت پنجم در آنکه اکثر اوقات هر سخن که بر لفظ مبارک
پادشاه برود آچمان باشد . ۱۸۱
- حکایت ششم در بدل و عطا و حود و سخاء پادشاه اسلام بر
وجه مستحسن ار سر معرفت . . . ۱۸۲
- حکایت هفتم در ابطال دین بت‌پرستی و تحریب معابد ایشان و
شکستن تمامت اصنام . . . ۱۸۸

حدول الاقسام و الحکایات

ر

صفحه

- حکایت هشتم در دوستی پادشاه اسلام در حق خاندان رسول
علیه السلام ۱۹۰
- حکایت نهم در شجاعت پادشاه اسلام و ترتیب لشکر فرمودن در
مصاف و مصارت نمودن او در جنگها ۱۹۱
- حکایت دهم در نصیحت فرمودن پادشاه اسلام قضاة و مشایخ و
رهاد و اهل علم و تقوی را ۱۹۷
- حکایت یازدهم در منع فرمودن پادشاه اسلام لشکریان و غیره را
از سخن کفر گفتن ۲۰۰
- حکایت دوازدهم در عمارت دوستی پادشاه اسلام حلد ملکه و
تخریض فرمودن مردم را بر آن کار ۲۰۱
- حکایت سیزدهم در ابواب البر که پادشاه اسلام در تبریر و همدان
و دیگر ولایات اشا و احداث فرموده و موقوفات و ترتهای
ایشان و حیرانی که نذر کرده ۲۰۷
- حکایت چهاردهم در دفع تزویرات و دعاوی باطل و دفع حیات
فی امانت و نامتدیان ۲۱۷
- سواد یرلیع در ناب تعویص قصا ۲۱۸
- سواد یرلیغ در ناب آنکه دعاوی سی ساله نقیودی که معی
شده بشوند ۲۲۱
- سواد حجّت که بر طهر یرلیع مذکور نوشته شد ۲۲۳
- سواد یرلیغ در اثبات ملکیت نافع قبل البیع ۲۲۵
- سواد یرلیع در ناب تاکید احکام سابقه و تمهید شرائط لاحقہ ۲۲۹
- حکایتی از صادرات افعال و ظلم متصرفان ولایات ۲۴۳

- سواد یرلیع در باب آنکه متوجهات ولایات که دیوان اعلیٰ مفصل
 نوشته حوالت کند و ملوک و حکام ولایات اصلا برات نویسند . ۲۵۷
- میعاد وجوه العین هر ولایتی که اقسام آن مختلف است تا بهر
 موصع ار آن نوع که مقنن گشته آن قسم را بر لوح نویسد و
 بدان موجب حواب گوید و رساند ۲۶۴
- میعاد و کیفیت قبض و تسلیم انواع ارتعاعات گرمسیر و سردسیر
 شتوی و صیفی و ار آن بعضی بر دشتی که صیفی ندارد و شروط
 آن برین سق و موال است که نوشته می‌شود و شرح داده . ۲۶۵
- حکایت همدم در محافظت و رعایت رعایا فرمودن و دفع طلم
 ایشان ۲۶۸
- حکایت هجدم در باطل گردآیدن اولاغ و دفع ایلچیان و منع
 رحمت ایشان از خلق کردن ۲۷۵
- حکایت نوردم در دفع دردان و راه‌ران و محافظت راههای
 بمالک ار شرّ ایشان ۲۷۷
- حکایت بیستم در حالص گردآیدن عیار رر و نقره بر وجهی که
 هرگر بوده و بهتر ار آن ممکن بیست ۲۸۲
- حکایت بیست و یکم در راست کردن اوران رر و نار و گر و
 پیانه و قفیر و تعار ۲۸۶
- سواد یرلیع در باب عیار رر و نقره که فرموده است بر وجهی
 که بهترین همه است . ۲۸۷
- حکایت بیست و دوم در صبط فرمودن در کار یرلیع و پایره
 مردم دادن ۲۹۱
- حکایت بیست و سوم در بار گرفتن یرلیعها و پایزه‌های مکرر که
 در دست مردم بود ۲۹۶

حدود الاقسام و الحکایات

ط	
صحه	
۳۰۰	حکایت بیست و چهارم در اقطاع دادن مواضع در هر ولایتی بلشگر مغول
۳۰۳	سواد یرلیغ در باب اقطاع دادن بلشگر مغول
۳۱۰	حکایت بیست و پنجم در تقریر آنکه لشگری علی حده جهت خاصه چگونگی ترتیب فرمود
۳۱۲	حکایت بیست و ششم در دفع و منع فرمودن ار زر سود دادن و معاملات بعین فاحش
۳۲۳	حکایت بیست و هفتم در منع فرمودن ار کار کاوین مال بی اندازه کردن
۳۲۴	حکایت بیست و هشتم در ساختن حمام و مساحد در دیبها و مواضع در جمیع ممالک
۳۲۵	حکایت بیست و نهم در منع فرمودن خلق ار شراب خوردن و دیگر مسکرات مکر
۳۲۶	حکایت سی ام در ترتیب فرمودن وجوه آتش خاص و شراب جهت آوردی معظم
۳۲۹	حکایت سی و یکم در ترتیب فرمودن وجوه آتش حیواتین و آوردوها
۳۳۱	حکایت سی و دوم در وسط کارخانه و ترتیب مهمات و مصالح آن
۳۳۶	حکایت سی و سوم در ترتیب فرمودن کار مساس و ررادخانه
۳۳۹	حکایت سی و چهارم در ترتیب فرمودن چهارپایان قآن
۳۴۱	حکایت سی و پنجم در ترتیب فرمودن کار قوشچیان و پارسچیان
۳۴۶	حکایت سی و ششم در ترتیب فرمودن کار عوامل در تمامت ممالک

- ۳۴۹ . حکایت سی و هفتم در تدبیر فرمودن کار آبادان کردن باثرات
- ۳۵۶ . حکایت سی و هشتم در ساختن ایلیچی‌خانها در ممالک و منع فرمودن ایلیچیان را از فرو آمدن بجانها مردم
- ۳۶۱ . حکایت سی و نهم در منع خربندگان و شتربانان و پشیکان از زحمت مردم دادن
- ۳۶۴ . حکایت چهل و چهارم در منع فرمودن از نشاندن کنیزکان بزور در خرابات



غلطنامه

صواب	خطا	صفحہ — سطر
ہولاگو	ہولا کو	۰۱۰:۸ — ۰۱۳:۴.
ہمگان	ہمکنان	۰۷ ۱۸ ۱۸ ۲۰ ۰۴۰ — ۰۲۰:۱۱ ۶°۴۰
آثار	اثار	۱۵۰ — ۰۴۰
گیخاتو	کیخاتو	passim — ۴۰ — ۸
آنجا	انجا	۰۷۰۹ ۹ ۲۰ — ۷۳ ۲۹ ۲۲:۸
تا	با	۶. — ۱۰۰
آزان	آزان	:۹ — ۰۱۱
آرا	آر	۲۵۰ — ۰۱۲
ارغون	آرغون	۰۳۰ — :۱۵۰
تاراج	تاراج	۲۱ ۱ — ۰۱۷۴۰۱۷۰
ویروقیسیدین	ویروقیسید	۰۶ — ۰۱۸
سیاہی	سیاہی	۲۱ ۱۱ ۰۲. — ۰۳۹ ۲۷ ۱۹
کالپوش	کالوش	۰۹ — ۰۲۰
الادو	آلادو	۴:۳ — :۲۴۰۲۱:
جمعی	جمعی	۲۴. — ۰۲۱
نادغیش	نادغیش	passim — ۵۵ — ۲۱
سروار	سرار	۰۱ — :۲۲.
مرعابہ	مرعابہ	۰۱۰. — :۲۶:
امان	امان	۱۴, ۱۳:۱۰ — ۴۳.۳۰.
قومس	قومش	۱۸. ۱۸: — ۰۶۴ ۳۳.
کوشک	گوشک	۷ ۱ ۵ ۳ — ۵۲ ۴۶ ۳۶ ۳۵
استراناد	آستراناد	:۱۱۰۹ — ۰۴۴
تمام	تمام	۵ — ۰۵۰

عـلـطـنـامـه

صواب	خطا	صفحه — سطر
امويه	امويه	:٦١ - :١٤
احر	تر	:٦٢ - :٢٥
قبيحاق	قبيچاق	:٧١ - :٢٢
تخريص	تخريص	:٨١ - :١٠
ايلدار	ايلداي	:٩٢ - :٨
بخشش سايد	بخشش نبايد	:٩٣ - :٢٤
سوي	سرمي	:٩٥ - :١١
گرفته	گرفته	:١٠٢ - :٧
آگاه	آگاه	:١٢٦ - :٢٢
محمودشاه	محمودشاه	:١٣٠ - :١٨
الوس حوجي	الوس	:١٣٦ - :١٠
چيزي	چپري	:١٤٢ - :٨
مارك	ملارل	:١٥٦ - :١٤
محمود	محمد	:٢١٨ - :٦
ايحه	ايحه	:٢٤٨ - :٥
يوت	يورت	:٣٠٢ - :٢٠
قراحو	قراآتو	:٣٢٦ - :٢٠٠